

ایران زندگی

گزارش «ایران» از بیمارانی که هشدارها و پروتکل های بهداشتی را جدی نگرفتند

بی احتیاط ها در تله کرونا!

فریبا خان احمدی خبرنگار

یک پیام ساده: «چون نمی‌ترسیدم کرونا بگیرم مراعات نکردم و مریض شدم.» با هرنفسی که می‌کشند صدا ویروس به‌هو پرتاب می‌شود و دستگه تهویه گویی بوی مریضی را به دماغ «لطیف» و محسن و سمیه و ساجده؛ می‌کشاند البته بوی الکل و آب اکسیژنه را هم همین‌طور. بخش بیماران کرونایی در بیمارستان بهارلو تهران جایی است که همه می‌دانند برای ورود به آن باید ماسک بزنند و البته بعضی‌ها هم از ترس مبتلا به کرونا تخت‌گاز از جلوی در دور می‌شوند. اما آن سوی در شیشه‌ای از آن ترس و واامه بیرون از چار دیواری خیری نیست. بدن‌های ضعیف و نفس‌های تنگ بیماران تصویر غم انگیزی ساخته است. هشدارها دربارۀ افزایش تعداد مبتلایان در تهران بالا رفته و کار به جایی رسیده که رئیس ستاد مبارزه با کرونای استان تهران می‌گوید میزان مراجعان بیمارستان‌ها افزایش یافته و بخش عمده مبتلایان همان کسانی هستند که در هفته‌های گذشته در سفر بوده‌اند یا بدون ماسک در محل‌های شلوغ تردد داشته‌اند. آنچه روشن است اینکه آمار ابتلا در تهران به‌دلیل عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی متحنی کرونا را دوبارۀ صعودی کرده است. البته بخشی از این افزایش به‌خاطر انجام تست‌های آزمایشگاهی و بیماریابی فعال است که باید به آن با دیده مثبت نگریست آن‌طور که دکتر علیرضا زالی می‌گوید تهران از جمله استان‌های است که با پیک بیماری روبه‌رو است. رفت و آمدها در آن هر روز بیشتر شده و با وجود آنکه مسئولان وزارت بهداشت مدام شهروندان را به استفاده از ماسک توصیه می‌کنند اما همچنان خیلی‌ها رعایت نمی‌کنند و بدون ماسک در مراکز خرید، مترو، اتوبوس، خیابان و محل‌های کارشان رفت و آمد می‌کنند.

دیروز هم رئیس جمهوری در جلسه هیأت دولت در بخشی از سخنانش با بیان اینکه کرونا هنوز تمام نشده خطاب به مردم اظهار داشت: «راهی نداریم جز اینکه سبک زندگی خود را عوض کنیم.» اشاره دکتر روحانی متوجه این موضوع ویروس است که بازگشایی‌ها در کشور مشروط بر این بوده که همه مردم به دستورالعمل‌ها توجه کنند و باید مراقبت همچنان تا ماههای آینده ادامه پیدا کند به‌طور طبیعی بایستی با احتیاط و خودمراقبتی بیشتر بنواسیم در برابر خطرات احتمالی این ویروس مقابله کنیم. اعلام افزایش چند درصدی مبتلایان به کرونا در پایتخت از سوی رئیس ستاد مقابله با کرونا در تهران بهانه‌ای شد برای پیگیری این موضوع. در این گزارش سری به یکی از بیمارستان‌های ساتتر کرونا در جنوب تهران زده‌ایم تا وضعیت این بیمارستان را که در طول دو ماه گذشته یکی از شلوغ‌ترین مراکز درمانی کرونا بوده، روایت کنیم.

بخش عفونی با یک در شیشه‌ای از بخش‌های دیگر جداست. اتاق‌های داخل بخش تا شماره ۷ نمره‌گذاری شده‌اند و هر اتاقی ۳ یا ۵ تخته است. اتاق شماره ۷ مخصوص بیمارانی است که نیاز به دستگه‌های کمک تنفسی دارند. گوشه راهرو بخش چند ترالی دارو (چرخ دستی) رها شده و سطل زردرنگ بزرگی که بدون ماسک سوار اتوبوس نشوید؟ «تلوژی‌بون می‌گوید ماسک بزنید اما هیچ وقت اتوبوس را نشان نمی‌دهد که مردم مثل آجر کنار هم چیده شده‌اند، او هم مثل آجر بکبر بیمارانی که اینجا بستری‌اند پس از شروع علائم ابتلا به کرونا نه تنها خودش را در خانه قرنطینه نکرده بلکه هر روز سر یک سفره با همسر و بچه‌هایش غذا خورده، در یک اتاق مشترک همراه با خانواده‌اش روزهای مریضی را سپری کرده بی‌آنکه ماسکی بزند یا حداقل فاصله را با آنها رعایت کند. هفته‌ای که گذشت با وجود همه هشدارها و بالا رفتن آمار فوتی و مبتلایان کرونا در تهران اما مشتریان زیادی در بازارها را رفت و آمد بودند. سمیه یکی از همین مشتری‌های ثابت بازار عبدل آباد است که به‌گفته خودش مریضی را آنجا گرفته است.

سمیه ۳۶ سال دارد و برای خرید لوازم خانه به عبدل آباد رفته بود؛ یک هفته قبل از شروع علامت‌هایی چون بدن درد و سردردهای مهلک. «بازار خیلی شلوغ بود. ماسک همه زنده بودم. صددرصد به‌خاطر این بود که مراکز درمانی کم بود و مراکز بستری پر بود. من هم به‌خاطر استرسی که یک لحظه او را رها نمی‌کند گوشه روسری اش را به هم گرم می‌زنم و به میله آهنی پایه سرم گوشه سمت چپ تخت زل می‌زنم. «ریهام از هر دو طرف درگیر شده. مرگ را جلوی چشمم دیدم. از شدت سرگیجه سه روز تمام نتوانستم سرم را بالا بگیرم. اوایل فکر می‌کردم فشارم افتاده تا آنکه اینجا با آزمایش و اسکن ریه تشخیص دادند کرونا گرفتم.»

سمیه از مبتلا شدن به کرونا نمی‌ترسیده اما او حالا دلهره عجیبی دارد از اینکه میادا پدرش را درگیر بیماری کرده باشد؛ حسی شبیه به عذاب وجدان گرفتارش کرده.

فریبا خان احمدی خبرنگار

برای عکس و سونوگرافی و آزمایش می‌برد و می‌آورد. همه ۱۵ بیمار را همین تعداد نیرو مدیریت می‌کنند. اما این زمانی است که همه چیز طبیعی باشد، سرپرستار می‌گوید: «این سالن را می‌بینی؟ یک شبه‌ای آنقدر مریض زیاد بود که تخت اکسترا به بخش اضافه کرده بودیم.» پنج پرستار پشت ایستگاه پرستاری ایستاده‌اند، سرشان آنقدر شلوغ است که با ورود چند فرد غریبه به داخل بخش هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند، یکی پرونده بیماران را به هم سنجاق می‌کند، دیگری با بخش مراقبت‌های ویژه تماس گرفته و برای مریض بستری دنبال تخت خالی است، سومی هم پشت گوشی تلفن می‌گوید فعلاً امکان بستری بیمار دیگر را نداریم به محض خالی شدن تخت خبرتان می‌کنم... تصاویر آنها بار د ماسک و شیلد روی صورت‌شان نشان از فداکاری‌های چند ماهه‌شان دارد.

ناهدی هاشمی پرستار بخش بیماران کرونایی است. او ۱۰ سال پیش وقتی در بخش عفونی مشغول به کار شد می‌دانست چه خطراتی دارد و حالا می‌گوید مراقبت از بیماران وظیفه‌مان است و این شغل را با عشق انتخاب کرده و بی‌هنت کار می‌کند. او که همزمان با شروع بحران کرونا دو ماه تمام از دختر بیست ماهه‌اش دور بود، می‌گوید: «ما اینجا حتماً باید ماسک فیلتردار بزنیم، گان بپوشیم، دست‌های‌مان را ضدعفونی و دستکش دستمان کنیم، شیلد بزنیم، چرا؟ چون بیمارانی که در این بخش بستری می‌شوند در اوج انتقال بیماری قرار دارند.» پرستاران همیشه از این ماسک‌ها استفاده نمی‌کنند، تنها زمانی که در فاصله اندکی با بیمار قرار دارند و می‌خواهند رگ بگیرند یا سی‌پی‌آر کنند از این ماسک‌ها استفاده می‌کنند. پرستاران این بخش همیشه به ابتلا فکر می‌کنند، کافی است کمی تنگی نفس پیدا کنند یا ضعف و بی‌حالی سراغ‌شان بیاید: «باور کنید یک ساعت اگر بعد از پوشیدن این لباس‌ها از شدت تعریق کلافه می‌شویم اما ترس از مبتلا شدن فشار عصبی زیادی را به ما تحمیل می‌کرم. همیشه فکر می‌کنیم برای اعضای خانواده‌مان ناقل ویروس هستیم.»

■ **بیرون می‌رفتیم اما ماسک نمی‌زدیم** به‌گفته رئیس جمهوری یکی از جاهایی که در رابطه با انتقال ویروس کرونا می‌تواند مشکل آفرین باشد، مترو و اتوبوس است و اگر مردم از وسایل حفاظتی مثل ماسک استفاده نکنند حتماً با مشکلاتی مواجه می‌شوند. محسن ۳۹ ساله و آشپز یک رستوران است که در تب و تاب کرونا بدون ماسک با اتوبوس رفت‌وآمد می‌کرد و حالا در بیمارستان بهارلو در بخش بیماران کرونایی بستری است. ماسکش را تا نیمه دهانش پایین کشیده و جلوی اتاق شماره یک ایستاده است. چهار بیمار دیگر داخل اتاق بستری‌اند. محسن جوان‌ترین‌شان است. او درباره چگونگی ابتلایش به کرونا این‌گونه می‌گوید: «از هفته گذشته سرفه انمنم را بریده بود الانم سرفه‌هایم ادامه دارد اما انگار این درد هیچ درمانی ندارد. گمانم توی اتوبوس ویروس گرفتم. خیلی شلوغ بود. بعضی وقت‌ها ماسک داشتم بعضی وقت‌ها هم نه، مطمئنم توی اتوبوس کرونا گرفتم.»

می‌پرسم مگر شما اطلاع نداشتید که بدون ماسک سوار اتوبوس نشوید؟ «تلوژی‌بون می‌گوید ماسک بزنید اما هیچ وقت اتوبوس را نشان نمی‌دهد که مردم مثل آجر کنار هم چیده شده‌اند، او هم مثل آجر بکبر بیمارانی که اینجا بستری‌اند پس از شروع علائم ابتلا به کرونا نه تنها خودش را در خانه قرنطینه نکرده بلکه هر روز سر یک سفره با همسر و بچه‌هایش غذا خورده، در یک اتاق مشترک همراه با خانواده‌اش روزهای مریضی را سپری کرده بی‌آنکه ماسکی بزند یا حداقل فاصله را با آنها رعایت کند. هفته‌ای که گذشت با وجود همه هشدارها و بالا رفتن آمار فوتی و مبتلایان کرونا در تهران اما مشتریان زیادی در بازارها را رفت و آمد بودند. سمیه یکی از همین مشتری‌های ثابت بازار عبدل آباد است که به‌گفته خودش مریضی را آنجا گرفته است.

سمیه ۳۶ سال دارد و برای خرید لوازم خانه به عبدل آباد رفته بود؛ یک هفته قبل از شروع علامت‌هایی چون بدن درد و سردردهای مهلک. «بازار خیلی شلوغ بود. ماسک همه زنده بودم. صددرصد

آیا مدارس غیرانتفاعی و آموزشگاه ها در آینده ای نزدیک دوباره سر پا خواهند شد؟والدین با لاکلیف، مدارس سردرگم



علی محمدی، ایران

مردم مراقبت نکنند آمار بالا می رود

دکتر مسعود ضیایی پزشک عمومی مقیم تریاژ بیمارستان بهار لو درباره وضعیت مراجعه‌کننده‌های فعلی کرونا می‌گوید: «مراجعه سربایی ما کمتر شده ولی ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت پایین‌ترین میزان مراجعه را داشتیم ولی باز سطح مراجعه بیماران کویید۱۹ بالا می‌رود اگرچه نسبت به اسفند و فروردین که ویروس حالت وحشی تری داشت پایین آمده است. دکتر ضیایی معتقد است؛ چون ویروس کرونا ناشناخته است می‌تواند جلوه‌های جدیدی داشته باشد. درست مثل آنفلوآنزای زمان جنگ جهانی اول که در ابتدا یک پیک زد بعد که پیک اول تمام شد ملت خوشحال شدند ولی بعد از آن ۲۰ میلیون دیگر کشته داد. پس بهترین کار رعایت فاصله اجتماعی است که دولت هم مدام به آن تاکید می‌کند.»

مشاهدات دکتر ضیایی نشان می‌دهد؛ شب زلوی کرونا صعودی شده است ولی اینکه انتهای این متحنی چه هنگامی باشد هنوز معلوم نیست. او می‌گوید: شدت بیماری در افراد کاهش پیدا کرده یعنی ویروس حالت مرگ و میر بالا را ندارد ولی همان میزان ناش بودنش را حفظ کرده برای همین هم افراد بیشتر می‌گیرند. به هر حال بیماریابی وزارت بهداشت هم فعال شده و افزایش تعداد مبتلایان به‌خاطر غربانگری و تست‌های کرونا نیز است.

دکتر ضیایی مسئول ویزیت بیمارانی است که با علائم مشکوک به کرونا به اورژانس بیمارستان بهارلو مراجعه می‌کنند. «من از صبح تا ساعت ۴،۱۱ مریض سربایی داشتم که ۱ نفرشان بدون علامت بودند ولی جواب سی‌تی‌اسکن ریه‌های‌شان مثبت بود. نسخه دارویی دادیم و توصیه کردیم در خانه قرنطینه شوند. معیار بستری به شدت تنگی نفس افراد بستگی دارد اگر اکسیژن به زیر ۹۰ برسد باید مریض بستری شود. به هر حال تعداد مراجعین ما نسبت به هفته قبل بیشتر شده است این نشان می‌دهد دو هفته قبل مسأله‌ای بوده که مبتلایان بیشتر شده‌اند. ما روزهای اول پیک روزی ۱۶۰ مراجعه‌کننده داشتیم الان به ۱۵ نفر در روز رسیده است در حالی که در اواسط اردیبهشت از شیفث صبح تا شب مریض کرونایی مراجعه نمی‌کرد. این را هم بگویم که اخیراً خانواده بیشتر درگیر می‌شود یعنی پدر مبتلا بوده و مادر و بچه‌ها هم گرفتار شده‌اند که نشان می‌دهد مراقبین بیمارها نکات حفاظتی را رعایت نمی‌کنند.»

دکتر ضیایی علت افزایش تعداد مبتلایان را کاهش مراقبت‌ها عنوان می‌کند: «مردم اطمینان‌شان بالا رفته است اینکه فکر می‌کنند من نمی‌گیرم.» او در همین حال به بیماری اشاره می‌کند که بدون ماسک به دیدار مادرش رفته و چون مادرش مبتلا بوده او هم گرفتار شده است. خدا می‌داند در این دو هفته بیماری را به چند نفر دیگر هم انتقال داده واقعاً نمی‌شود همه اینها را پیگیری کرد. رد خور ندارد مردم مراقبت نکنند آمار بالا می‌رود. «البته فوته‌ها کم شده به هر حال باز ویروس در جامعه کاهش پیدا کرده ولی آمار نسبت به متحنی نزولی دوباره صعودی شده و به سمت افزایش بافتن است این نشان می‌دهد جامعه خسته شده. مریض کرونایی هفته گذشته به سرعین سفر کرده وقتی می‌پرسم مگر نه اینکه مدام مسئولان از مردم می‌خواهند از مسافرت پرهیز کنید جواب می‌دهد: «خسته شده‌ایم» از همین جا مردم ضربه می‌خورند. باید با ویروس با رعایت نکات ایمنی زندگی کرد این ویروس حداقل دو سال میهمان ما است.»

در انتهای راهرو اورژانس فاصله آخرین مریضی که روی تخت بستری شده با مریض مشکوک به کرونا سه تخت است. «کوه خیل» سرپرستار اورژانس می‌گوید: الان علائم گوارشی در مریض کرونایی بیشتر شده و با علائم تهوع و اسهال می‌آیند.

آنجّا این زهرماری را گرفتم.» می‌پرسم این همه توصیه می‌کنند در مراکز شلوغ بدون ماسک تردد نکنید چرا بی‌احتیاطی کردی؟ جواب سمیه به این سؤال خیلی کوتاه است: «اوایل خیلی مراعات می‌کردم، احساس کردم کرونا کم شده و همه چیز آزاد شده فکر نمی‌کردم کرونا بگیرم برای همین هم دیگر ماسک نمی‌زدم.»

زن جوان مدام به‌خاطر استرسی که یک لحظه او را رها نمی‌کند گوشه روسری اش را به هم گرم می‌زنند و به میله آهنی پایه سرم گوشه سمت چپ تخت زل می‌زنم. «ریهام از هر دو طرف درگیر شده. مرگ را جلوی چشمم دیدم. از شدت سرگیجه سه روز تمام نتوانستم سرم را بالا بگیرم. اوایل فکر می‌کردم فشارم افتاده تا آنکه اینجا با آزمایش و اسکن ریه تشخیص دادند کرونا گرفتم.»

سمیه از مبتلا شدن به کرونا نمی‌ترسیده اما او حالا دلهره عجیبی دارد از اینکه میادا پدرش را درگیر بیماری کرده باشد؛ حسی شبیه به عذاب وجدان گرفتارش کرده.

«کاش می‌دانستم کروناست، حداقل جلوی پدر و بچه هایم ماسک می‌زدم.

نزدیک راه آن‌ها بیهوش می‌شود و مردم او را به بیمارستان می‌رسانند. پیرمرد چهره آفتاب سوخته‌ای دارد، دست‌های پینه بسته‌اش را به هم گرّه می‌کند و می‌گوید: «نمی‌دانم یک مرتبه چی شد سرم گیج رفت و افتادم. یک بنده خدایی مرا اینجا آورد. شاید اگر از همین ماسک‌های پارچه‌ای هم استفاده می‌کردم الان اینجا نبودم. یک دست شستن ساده چی بود آن کار را هم نمی‌کردم. یعنی فکر نمی‌کردم کرونا بگیرم.»

صدای ناله‌های بیمار از اتاق بغلی به گوش می‌رسد. زنی روبه پنجره ایستاده و ناله می‌کند، کمی بعد بیمار در حالی که دمپایی‌هایش را روی زمین می‌کشد، نزدیک‌تر می‌آید. رنگ و روی زن حساسی پریده و از ضعف و بی‌حالی سفیدی چشمانش پیداست. جثه نسبتاً چاقی دارد و از اسلامشهر تهران آمده است. خودش می‌گوید: بی‌احتیاطی کردم. «سینه‌ام درد می‌کرد رفتم دکتر گفت که شک می‌کنم کرونا داری. آمدم اینجا گفتند کرونا داری. سه روز بستری شدم من بیرون می‌رفتم ماسک نمی‌زدم. زیاد جایی نرفته بودم. خودم را قرنطینه نکرده بودم. خواهرم کرونا داشت رفتم بهش سر زدم. از خواهرم گرفتم. اینجا قرص می‌دهند سرم هم می‌دهند. قلبم مریض زیاد بود الان یکم بهتر شده است.»

دو پرستار راست و چپ بدن پیرمرد را گرفته‌اند تا از تخت جدا کنند و با برانکارد به اتاق آی سی یو ببرند. دستگه اکسیژن از تن تحفیف پیرمرد جدا می‌شود و تخت برای پذیرش بیمار بدحال دیگر آماده می‌شود.

«ایرانی» سرپرستار بخش بستری بیماران کرونایی بیمارستان بهارلو است با چهره‌ای که رد ماسک از آن پیداست می‌آید و به سؤالات ما پاسخ می‌دهد: «اوایل مردم ترس کاذبی نسبت به ویروس کرونا داشتند و در حال حاضر مردم احساس ایمنی کاذب نسبت به کرونا دارند. وقتی ما نکات بهداشتی را درست مدیریت نمی‌کنیم بیماری را به همه مردم انتشار می‌دهیم. به‌نظر من پوشیدن ماسک برای همه مردم لازم است. الان مردم رعایت نمی‌کنند و چون رعایت نمی‌کنند به احتمال زیاد باید منتظر پیک جدید دیگری باشیم. کرونا مسأله جهانی است و حالا حالا‌ها با آن درگیر هستیم.»

در مسیر رفتن به ساختمان اورژانس، بیماران را می‌بینم که بدون داشتن ماسک کنار هم به ردیف نشسته‌اند. اورژانس بیمارستان دوباره شلوغ می‌شود. بیماران فضای سالن را پر می‌کند. داخل اتاق‌ها سرک می‌کشم جز یک زن و دو مرد جوان بقیه بیماران بستری، مردان و زنان با به سن گذاشته‌ای هستند که به ردیف در اتاق‌های ایزوله روی تخت مچاله شده‌اند؛ نه نای حرف زدن دارند و نه توان حرکت. اتاق‌های شماره سه، چهار و پنج برای بیماران زن اختصاص داده شده‌اند و اتاق‌های شماره یک، دو، شش و هفت برای مردان. جایی که تقریباً تعداد مردان بیشتری نسبت به زنان بستری هستند.

ساعت ۱۲ نشده بوی غذا بخش را پر می‌کند. جز لطف‌الله ۵۵ ساله و مریض کنار دستی اش بیشتر بیماران اشتهایی برای خوردن غذا نشان نمی‌دهند. لطف‌الله ظرف غذا را روی میز انتهای تخت جابه‌جا می‌کند چند قاشق غذا می‌خورد و بعد با بی‌حوصلگی ظرف را با دستش به کناری هل می‌دهد.

واهل اردبیل و کارگر فصلی است که



کار کودکان، استمراردهنده چرخه فقر

خشونتی که نه حاصل مواجهه یک فرد (پدر، مادر یا کارفرما است) با کودک است که حاصل ساختاری است که آن را ایجاد و استمرار می‌دهد. در واقع کار کودکان نوعی خشونت ساختاری است که به کودکانمان تحمیل می‌شود. این خشونت از سازوکار نابرابری ساختار نظام اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شود. این نوع خشونت ذاتا مستمر است و دارای عمقی بس فراتر از خشونت‌های فردی است. بنابراین کار کودکان استمراردهنده چرخه فقر و نابرابری است و مقوله جاودانه‌سازی فقر است. بنابراین حذف کار کودکان نیاز به رویکردی بنیادین‌تر از حمایت‌های کوتاه مدت دارد. گرچه نمی‌توان نقش مثبت این حمایت‌ها را نادیده گرفت اما تدوین برنامه و اجرای اقدامات سیاستی در این زمینه مؤثرترین روش در قالب سازوکار مستقر است. برخی بر آنند که حذف کار کودکان، شدنی نیست. پاسخ این است که اگر نخواهیم اقدامی بکنیم، بلی همین‌طور است. کافی است سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ما در این عرصه آن را در کانون توجه خود قرار دهند و برنامه‌ای درخور برای آن تدوین کنند. برنامه‌ای که مبتنی بر مبانی نظری مرتبط با حقوق کودکان و نهاد سازمان‌های مدنی باشد، می‌تواند به حل این مسأله یاری‌رسان باشد.

در روزهای اخیر و پس از قریب به ۱۲ سال رفت و برگشت لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان، بین دولت و مجلس بالاخره از تصویب نهایی گذشت و به قانون تبدیل شد. اینکه تصویب این لایحه این همه سال طول کشید، گرچه نشان از میزان توجه توسط سیاستگذاران در حوزه کودکان است، اما جنبه مثبتی نیز دارد و آن پیگیری و توان اثرگذاری نهادهای مدنی نیز می‌باشد؛ وجهی که با توجه به پتانسیل‌های موجود در این قانون می‌تواند به کاهش و حذف کار کودکان کمک کند. نهادهای مدنی لازم است با حضور پررنگ‌تر خود در فرآیند تدوین آیین‌نامه‌های مربوط به این قانون، همچنین اطلاع‌رسانی مبتنی بر تحلیل‌های اجتماعی و حقوق کودکی از این قانون، زمینه‌های اقدامات بنیادی‌تر در حوزه کودکان و بخصوص حذف کار کودکان را ایجاد کنند.

در نشست «آسیب شناسی فرزندکشی» مطرح شد

قتل رومینا چندبعدی است

انجمن احیای ارزش‌ها، روز یکشنبه ۱۸ خرداد نشست «آسیب‌شناسی فرزندکشی» را درباره ابعاد حقوقی و روانشناسی و جامعه‌شناسی قتل رومینا اشرفی، دختر ۱۳ ساله تالشی باحضور سعید مدنی، پژوهشگر مسائل اجتماعی، مریم رسولیان روانپزشک، فرشیدزدانی مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان، خسرو منصوریان مؤسس گروه احیا و مدیریت‌الله شعبانی برگزار کرد.

خسرو منصوریان که میزبانی این نشست را برعهده داشت، جزئیات این قتل را دردناک خواند و گفت: ارتباط رومینا با مردی حدوداً ۲۰ سال بزرگتر از خودش این پیام را می‌دهد که او به‌دنبال پدر می‌گشت و اگر از جانب پدر خوش مهر و حمایت کافی را می‌دید هرگز وارد این ارتباط نمی‌شد. سعید مدنی با اشاره به اینکه قتل‌های ناموسی منحصر به یک منطقه خاص نیست، افزود: در فرهنگ‌های قومی و عشیره‌ای میزان ارتکاب به این قتل‌ها بیشتر است. این پژوهشگر مسائل اجتماعی، ضمن چنانی شمردن مسأله قتل‌های ناموسی، به نقل از یونسف اعلام کرد سالانه حدود پنج هزار قتل ناموسی در سراسر جهان رخ می‌دهد و در ایران ۲۰ درصد از قتل‌هایی که هر سال ثبت می‌شود مربوط به قتل‌های ناموسی است. او به این نکته اشاره کرد که از ۲۵۰۰ قتل در ایران ۳۵۰ مورد مربوط به قتل‌های ناموسی است. مدنی تأکید کرد برای بررسی پدیده‌هایی مانند قتل‌های ناموسی باید با نگاهی جامع به همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این مسأله پرداخت. مریم رسولیان نیز ضمن چندوجهی دانستن قتل‌های ناموسی، دو مسأله شرف و ننگ را از مهم‌ترین عوامل رخ دادن این قتل‌ها برشمرد و فشار اجتماعی را در کنار خلأهای روانی عامل بروز ارتکاب قتل می‌داند. به نظر او فرهنگ مردسالار و نگاه مالک‌مآبانه مرد بر بدن زن از جمله نکاتی است که در نهایت می‌تواند منجر به خشونت علیه زنان که یکی از وجوه آن قتل است، ختم شود. فرشید زدانی زندگی رومینا را تراژدی کودکی در ایران نامید و اضافه کرد خشونت بیشتر از آنکه جنبه فردی داشته باشد، وجه سیستماتیک و ساختاری دارد. یزدانی از نظام آموزشی «تک گوی بزرگسال محور» انتقاد کرد و آن را از بطن خشونت نامید، چرا که با دوشقی کردن سیستم خصوصی و دولتی آموزش از کودکی خشونت را در کودکان دو سر این طیف نهادینه می‌کند.

اعلام شرایط اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

سخنگوی وزارت کشور با اعلام تصویب آیین‌نامه جدید اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، به تشریح شرایط اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی پرداخت.

به‌گزارش ایسنا، سید سلمان سامانی اظهارکرد: این قانون شامل هر زن ایرانی می‌شود که با مرد غیرایرانی ازدواج کرده و در نتیجه این ازدواج دارای فرزند زیر ۱۸ سال است، همچنین شامش هر فردی می‌شود که از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده و بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد. در این آیین‌نامه زن ایرانی زنی است که پیش از ولادت فرزند مطابق قوانین و مقررات ایران دارای تابعیت ایرانی باشد و با مرد خارجی از دواج کرده باشد. ملاک ایرانی بودن مادر اسناد سجلی او است. وی خاطرنشان کرد: تعلق فرزند مشمول این قانون به مادر ایرانی به موجب گواهی معتبر بیمارستان یا گواهی هر یک از مراکز بهداشتی و درمانی ایرانی که فرزند در آنجا متولد شده و در صورت نبودن هریک از این گواهی‌ها یا تولد طفل در خارج از کشور به موجب رای مرجع قضایی (داخلی یا خارجی) احراز می‌شود. سخنگوی وزارت کشور درخصوص صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی گفت: صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی فرد مشمول قانون در صورت نداشتن مشکل امنیتی مشروط به تأیید و اعلام تابعیت ایرانی فرزند و درخواست کتبی وی برای اقامت در ایران بر اساس قوانین و مقررات مربوطه صورت می‌گیرد.

سامانی ادامه‌داد: برای شروع روند اعلام تابعیت، متقاضی موظف است درخواست کتبی یا الکترونیک خود را با اطلاعات کامل و ارائه مستندات به استانداری محل تولد یا اقامت مادر ایرانی فرزند ارائه کند. در این تقاضانامه نام، نام خانوادگی، شغل، نشانی محل سکونت و محل کار، مشخصات و مدارک تابعیت پدر فرزند و مشخصات سجلی مادر فرزند و اطلاعات قابل ذکر هویتی فرزند بیان می‌شود.

۲۰۱۱ابتلا	۲۴در ساعت				
۸۱فوتی					
ایران	سهمینه	۱۷۵۹۲۷	نفر	۱۹/۳/۲۰	فوتی
ایران	سهمینه	۱۷۷۹۳۸	نفر	۱۹/۳/۲۱	فوتی
ایران	ساعت ۲۴	۲۰۱۱	نفر	۱۹/۳/۲۰	فوت
ایران	بستری	۱۱۱	نفر	۱۹/۳/۲۱	فوت
ایران	ساعت ۲۴	۱۴۰۵	نفر	۱۹/۳/۲۰	فوت
ایران	ساعت ۲۴	۸۴۲۵	نفر	۱۹/۳/۲۰	فوت
ایران	ساعت ۲۴	۸۵۰۶	نفر	۱۹/۳/۲۱	فوت
ایران	ساعت ۲۴	۸۱	نفر	۱۹/۳/۲۱	فوت

تاکنون یک میلیون و ۱۵۱ هزار و ۲۴۴ آرایشی تشخیص کویید۱۹ در کشور انجام شده است. و ۹ استان نیز در وضعیت هشدار قرار دارند.